

«قلعه سنگ» سیرجان

و

آتش‌دان سنگی آن



بررسی و نوشته

پروفسور نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دکتر پرویز ورجاوند مع علوم انسانی

رئیس دانشکده فلسفه و ادبیات، دانشگاه تهران



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی و نوشته :  
دکتر پرویز ورجاوند  
استاد باستانشناسی دانشگاه تهران

## «قلعه سنگ» سیرجان و آتش دان سنگی آن

در بررسی کتابهای تاریخ مربوط به ناحیه کرمان جسته گریخته با نام «قلعه سنگ» سیرجان برخورد کرده و با مطالب مختصری که درباره آن خوانده بودم، تمایل داشتم تا در فرصت لازم از این محل دیدن کنم. سرانجام در پایان پائیز سال ۱۳۵۰ امکان بررسی این محل دست داد و یادداشت‌هایی درباره آن تهیه گردید.

در موقع تنظیم یادداشتها متوجه شدم که به يك بازدید دیگر نیاز دارم و از اینرو در جریان برنامه‌ای که بمنظور بررسی سواحل و جزایر دریای عمان در اواخر سال ۱۳۵۰ و اوایل سال ۱۳۵۱ تنظیم کردم، بازدید مجدد از محل و یکی دواثر پیرامون آن نیز گنج‌نایده شد.

آنچه در این نوشته عرضه می‌گردد حاصل انجام دوبار بررسی در محل است. در انجام این دو بررسی سعی گردید با جمع‌آوری آثار سفالی پراکنده در ویرانه‌های قلعه نسبت به شناخت دقیق‌تر دورانهای مختلف استقرار در آن نیز اقدام گردد.

### سابقه تاریخی منطقه :

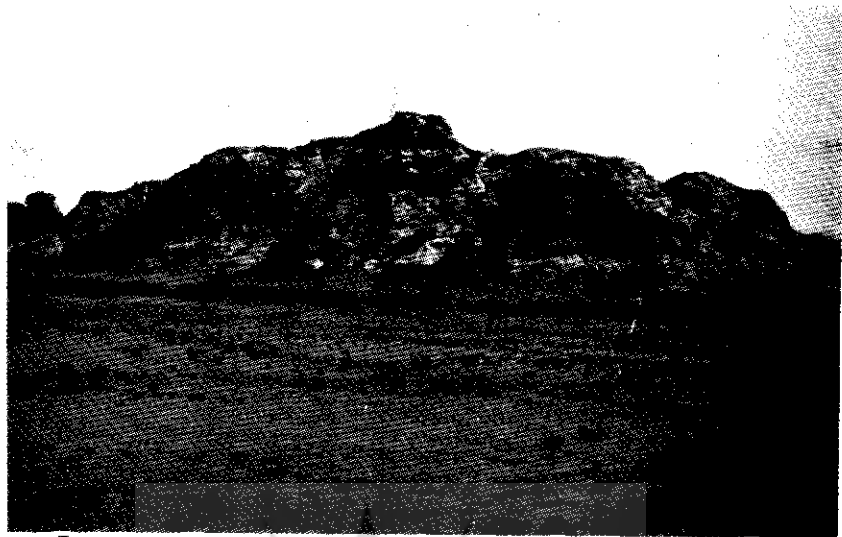
شهر سیرجان که جزء استان کرمان و بر سر راه بندر عباس قرار دارد، در روزگاران پیشین مرکز کرمان بشمار میرفته است. قدمت آنرا برخی به

دوره هخامنشی و ساسانی دیگر به دوره اشکانی و زمان خسرو، نهمین شاه سلسله اشکانی نسبت میدهند. سیرجان در حمله اعراب مدتی مقاومت میکند ولی سرانجام در سال ۲۲ هجری از پای در میآید. بازوی کار آمدن یعقوب - لیث صفاری سیرجان نیز جزء متصرفات صفاریان در میآید. در آن زمان شهر سیرجان در دوازده کیلومتری شهر فعلی و در مجاورت قلعه سنگ قرار داشت. صاحب احسن التقاسیم به تفصیل مطالبی درباره این شهر نوشته و آنرا بزرگترین و آبادترین شهر ناحیه کرمان شناخته و ساکنان آنرا مردمی دانا و ثروتمند دانسته است. بنا بر نوشته احسن التقاسیم شهر سیرجان دارای هشت دروازه و دو بازار و یک مسجد جامع بوده است. عضدالدوله در آن مسجد مناره ای شگفت آور میسازد و در بالای آن ساختمانی از چوب برپا میکند که قسمتی از آن همیشه در گردش بوده است.

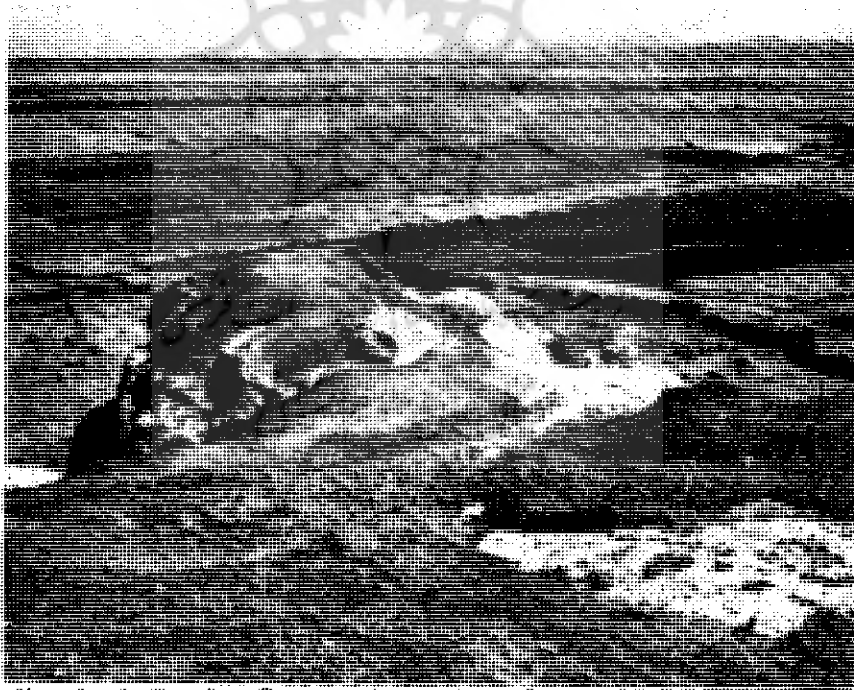
این شهر تا زمان حمله امیر تیمور از شهرهای مهم و آبادان ایران بوده ولی بر اثر نبردهایی که تیمور با بازماندگان آل مظفر در این منطقه بعمل میآورد، لطمه شدید باین شهر وارد میشود. پس از آن بار دیگر رو به آبادانی میگردد و برخی از قناتهای آن لارویی شده مورد استفاده قرار میگیرد و تا پایان عهد صفویه کشاورزی آن رونق کافی داشته است. در جریان حوادث مربوط به پایان عهد صفویه و کشمکش های مربوط، مردم این شهر و ناحیه مورد تجاوز شدید قرار میگیرند و آبادی های آن ویران میشود. در اوایل دوره قاجار شهر کنونی سیرجان در آبادی سعید آباد و محل کنونی آن، در دوازده کیلومتری سیرجان کهن پای میگردد و تا با امروز به حیات خود ادامه میدهد.

### بازمانده آثار قلعه سنگ

قلعه سنگ بر ازجان که در وسط دشت مسطحی قرار دارد از مسافتی دور بسان صخره ای سترک و سفید رنگ بنظر میرسد. محوطه قلعه سنگ از سه



تصویر شماره ۱- نمای کلی قلعه سنک و قسمتی از حصار و برجهای پیرامون آن  
(عکس از نگارنده)



تصویر شماره ۲- تصویر قسمتی از قلعه سنک و حصار پیرامون آن و بخشی از واحدهای مساعستانی  
پای قلعه .

(عکس از نگارنده)

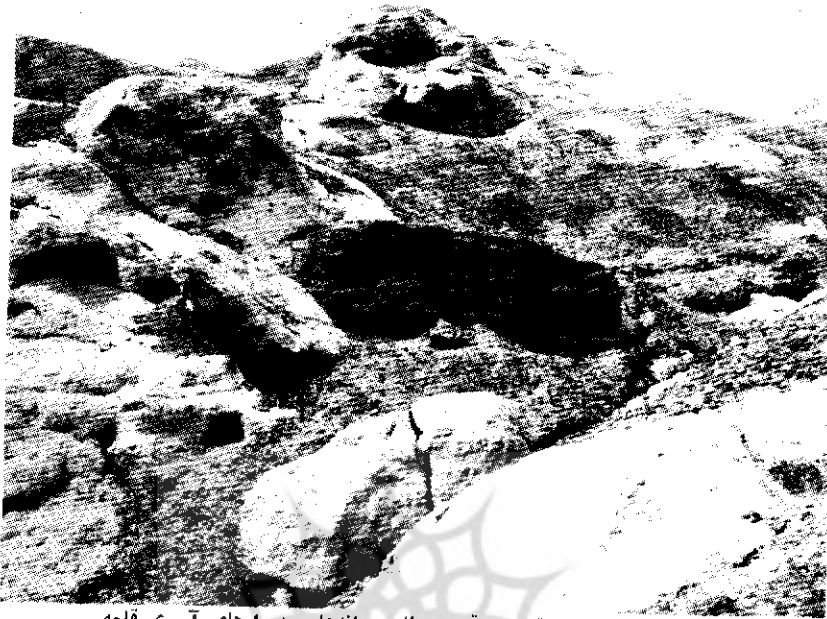
این عکس از فراز قلعه گرفته شده است .

واحد مختلف که عبارتست از صخره سنگی میانی و دو حصار پیرامون آن ، تشکیل یافته است . فاصله حصار اول و دوم در بیشترین مقدار آن حدود ۲۰۰ متر است . عمده واحدهای مسکونی و ساختمانهای همگانی قلعه در فاصله دو حصار ساخته شده است . تمامی بناهای این قسمت از خشت خام است . روشن شدن وضع بناهای این منطقه تنها بیماری انجام کاوشهای باستان شناسی میسر است و این کاری است که باید نسبت بآن اقدام لازم صورت پذیرد .

حصار بیرونی قلعه نیز از خشت خام برپا شده و حدود ۵ متر ضخامت آنست و در طول آن برجهای مدوری به قطرهای ۶ تا ۸ متر ایجاد کرده اند . در فاصله دو کیلومتری قلعه آثار دو خندق کم عرض بصورت دو کانال وجود دارد که با احتمال حد حومه را در زمان آبادانی قلعه مشخص میکند . در فاصله بین خندقها و بنای اصلی قلعه کم و بیش برجستگی های مربوط به ویرانه های کهن بچشم میخورد .

وضع قسمت سنگی میان قلعه بصورتی است که ایجاب میکند تایک رشته بررسی های کامل و کاوش های علمی برای روشن ساختن چگونگی آن انجام گیرد . بطور اجمال درباره این محل میتوان گفت که با استفاده از وضع طبیعی صخره و انجام برخی تغییرات بصورت کوه برپای محدود و جا سازی کردن برای ساختن دیوارهایی چند ، موجبات بنای تعدادی صفا را فراهم ساخته اند و بکمک مصالح بنائی ، بخصوص آجر و ملاط گچ ، ساختمانهای گوناگون بر روی آنها بوجود آورده اند . این ساختمانها در اصل عبارت بوده است از محل سکونت حکمران ، برجهای دیده بانی ، با احتمال محل ذخیره آب ، حمام ، انبارهای آذوقه و بالاخره دیوارهایی جهت مسدود کردن راه وصول به بالاترین قسمت صخره . در وضع موجود کمتر با اثری کامل و دست نخورده در این قسمت برخورد میشود .

مردم محل یکی از صفاهای قلعه را بنام تخت داروغه مینامند .



تصویر شماره ۳- تصویر قسمتی از ویرانه‌ها و دیوارهای آجری قلعه .  
(عکس از نگارنده)

کتابخانه مدد رسته شهیدان



تصویر شماره ۴- تصویر قسمتی از حصار و برجهای خشتی پیرامون قلعه  
(عکس از نگارنده)

در دیوارسازیهای مورد بحث آجرهای نازک خاص دوره آل بویه و آجرهای معمول دوره سلجوقیان بکار رفته است. همچنین در ویرانه‌های این قسمت تنبوشه‌های سفالی قرمز رنگ مشاهده میگردد.

### سابقه تاریخی قلعه :

در باره سابقه تاریخی قلعه سنگ آقای شیخ عبدالمحسن محسنی در سال ۱۳۳۵ با انجام تحقیقات لازم مطلبی تنظیم کرده‌اند که ما در زیر خلاصه آنرا به نقل از سالنامه فرهنگ سیرجان<sup>۱</sup> برای اطلاع بیشتر علاقمندان ذکر میکنیم. « نام قدیم آن (قلعه بر کوه) است که در پاره‌ای تواریخ مذکور است و هر جا در وصف کرمان و ذکر قلاع آن قلعه بر کوه نام برده شده است مراد همین قلعه بوده است و پس از غلبه اعراب بر این حدود، مانند سایر نامهای فارسی معرب شده و به حجر البیضاء موسوم گردید. این قلعه سه حصار معتبر داشته که در نهایت استحکام ساخته شده و در داخل آنها خانه و عمارات زیادی بوده دارای برجهای متعدد نزدیک بهم است و چندین دروازه و سردرهای بلند داشته و خندقی عمیق دور آن حفر شده که با طرز جنگ و اسلحه قدیم فتح آن قلعه و دخول در آن بسیار سخت و مشکل بوده است و البته قلعه با این استحکام و متانت آب انبارها و چاهها بلکه آب جاری نیز داشته است در سابق پناهگاهی محکم بوده که در جنگها و سختیها حکام و سلاطین کرمان در آن تحصن جسته و خود را از آسیب دشمنان و حمله و هجوم آنان حفظ میکردند و در کتب قدیمه در ذکر کرمان هر جا نامی از قلعه برده شده مراد همین قلعه بوده است.

صاحب عقد العلی در وصف سیرجان و قلعه چنین مینویسد :

« از خواص سیرجان و مآثر ماثوره او مقابر مزوره است و اهل سیاحت و تصوف سیرجان را شام کوچک خوانند و آنجا قلعه ایست که بروج او با بروج فلک مناصی و حصانت اطراف بر جهانگشایان مقاصی.

۱ - سالنامه فرهنگ سیرجان - سال تحصیلی ۳۶-۱۳۳۵



ذو قله ایست و فود الريح دن  
يلقى مهر وقته النجوم مناصحا  
جرالذبول بصحنه المسكوت  
ويحك بسالا ظلاف ظهر النون

ترجمه شعر عربی:

دارای قلعه ایست که بادهای تنداز وزیدن در صحن مسکونی آن مأیوس  
و از گردش در پیرامون آن نا امید است بلندی آن بستاره های آسمان سر  
میکشاند و ریشه و مخالف آن پشت ماهی قعر زمین را میخاندند.  
در عهد ملك ارسلا ن شاه چند نوبت آنرا عمارت فرمودند و باز خراب کرده  
و این ساعت معمور است و بمناعت جانب مذکور.

اهمیت و استحکام این قلعه از طول مدت محاصره بخوبی معلوم میشود وقتی  
که امیر تیمور گورکانی سلاطین آل مظفر را کشت و باستیصال بقایای آنها  
همت گماشت مدتی قلعه را حصار داد و این موضوع را صاحب ظفر نامه باین نهج  
شرح میدهد (ص ۶۱۸).

جمعی را بمحاصره قلعه سیرجان روان گردانید چه در آن قلعه از گماشتگان  
سلطان ابو اسحق نبیره شاه شجاع غلامی که دوردز نام کوتوال بود و چون  
آن حصن

دژی بود با آسمان هم نورد  
تو دانی که بر تارک مهر و میغ  
بکلك غرور نقش پنداری بر لوح خیال  
نبرده کسی نام او در نبرد  
نشاید زدن نیزه و تیر و تیغ  
مجال نگاشت و در آن بالا یاغی  
شده رایت عصیان بر افراشت.

این قلعه چه اندازه محکم بوده است که لشکرها با این تهور و بی باکی  
و کثرت و سفاکی از فتح آن عاجز مانده و مدتها برای گشودن و تسخیر آن  
مقاومت میکرده اند و هم از مطالعه این تواریخ بزیادی جمعیت و آبادی آن  
میتوان بی برد که در هنگام ورود بقلعه و پناه بردن بآن اینعه از اهالی پایمال  
شده و جان سپرده اند در هر زمان که لشکر مخالفی روی بسیرجان مینهاد و

بطمع قتل و غارت می‌آمده است اهالی شهرها و قراء سیرجان در این قلعه متحصن اختیار نموده و خود را از شر آنان حفظ می‌کرده‌اند و مهاجمین بآنها دسترسی پیدا نکرده و مایوسانه مراجعت می‌کرده‌اند تا در وقت استیلاء امیر تیمور که سلاطین آل مظفر را در خارج از قلمرو حوزه حکومتی آنها کشته و سلطنت آنها خاتمه داد رعایا و بقایای لشکریان ایشان در این قلعه متحصن شده از لشکریان قهار و جنگجویان خونخوار تیموری از خود دفاع می‌کردند و چنانکه در تاریخ یورش امیر تیمور نگارش یافته است دو سال این قلعه مورد حمله و تعرض آنها واقع شده اهالی بیچاره در محاصره بودند ...

لشکرگاه امیر تیمور در کوهی بوده که در قرب قلعه و مجاور شهر سیرجان است و اکنون تمبرورش هینامند. آخرین دوره آبادی این قلعه همان زمان امیر تیمور است. تعرضات بیرحمانه و ظالمانه آنان این قسمت را نیز مانند سایر نقاط ایران خراب و ویران کرده که دیگر روی آبادی ندید. پاره‌ای سکه‌های طلا و مس که در آنجا در بعضی اوقات دیده شده بنام احمد عمادالدین از آل- مظفر است ...»

گویند افرادی چون خلف بن احمد و امیر مبارزالدین محمد مظفر مدتها در این قلعه زندانی بوده‌اند.

### آشنائی که منبر شده است

در محل قلعه سنگ با اثری برخورد میشود که بحث اصلی این نوشته بر آن استوار است.

این اثر عبارتست از یک پلکان یکپارچه سنگی بشکل منبر که در داخل محوطه قلعه و در نزدیکی حصار قرار دارد.

پلکان مزبور چنانکه در تصویر شماره ۵ مشاهده می‌گردد قطعه سنگی است بصورت یک مثلث راست گوشه که ضلع متوسط آن بر روی زمین قرار



تصویر شماره ۵ -  
آژندان سنگی قلعه سنک که به  
منبر تبدیل شده است .



تصویر شماره ۶ - تصویر دیگری از آژندان سنگی قلعه سنک که به منبر تبدیل شده است. در این  
تصویر تمامی کتیبه‌کننده شده بر روی آن مشاهده می‌گردد.  
(عکس از نگارنده)

دارد و بر روی وتر آن هشت پله ایجاد شده است. بیشترین ارتفاع آن حدود دو متر است. بر روی یکی از دو سطح جانبی آن کتیبه جالبی در پنج حاشیه مستطیل شکل افقی از بالا به پائین و دنباله آن در یک کادر مستطیل شکل عمودی بخط ثلث بشرح زیر کنده شده است (تصویر شماره ۶)

متن کتیبه :

... العادل المظفر من السماء بالنصر والعز والفتح المعین عماد الحق والدين -  
الواثق بالملك الصمد بالخيرات (۹) السلطان احمد خلداله سلطانہ اقل ممالیک  
سلطانی... فی ... سنه تسع وثمانین و سبعمائه (۷۸۹)

چنانکه از متن کتیبه بر هیآید، این نوشته در سال چهارم حکومت عمادالدین احمد، سلطان سلسله آل مظفر (۹۵-۷۸۶) کنده شده است. تا بحال این اثر را بعنوان منبری شناخته اند که در زمان آل مظفر ساخته شده است و در همان زمان نیز کتیبه مورد بحث را بر روی آن کنده اند. ولی بنظر نگارنده پلکان سنگی مورد بحث به زمانهایی بسیار کهن تر از عهد آل مظفر و پیش از اسلام تعلق دارد و در اصل جزئی از یک آتشدان وابسته بیک ستایشگاه بوده است. اینک دلایلی را که در توضیح این امر بنظر میرسد بشرح زیر بیان میدارد:

الف - نخست آنکه نحوه نوشتن کتیبه در پنج حاشیه افقی و یک حاشیه عمودی مستطیل شکل معرف آنست که انجام این امر ربطی به زمان ساختمان خود اثر ندارد و هنرمند سعی کرده است تا متن کتیبه را با توجه به سطحی که در اختیار دارد انطباق دهد. از اینرو از یک سو قسمت بالای کلمه اول سطر دوم (در روی عکس حاضر سطر دوم عبارت از بدنه مستطیل شکل اول بشمار میرود، زیرا قسمت بالای سطر اول کتیبه خراب شده و تنها انتهای دوسه حرف آن دیده میشود) بدلیل آنکه فضای کافی وجود نداشته به اجبار بریده شده و امکان طرح ساختن گوشه سمت راست بالای بدنه مستطیل شکل



تصویر شماره ۷- آتشدان سنگی واقع در پاسارگاد، پلکان آتشدان دست راستی با آنچه در قلعه سنک قرار دارد قابل مقایسه است .



طرح نیمرخ آتشدان پاسارگاد

طرح نیمرخ پلکان آتشدان «قلعه سنک»

تصویر شماره ۸- طرح مقایسه آتشدان «سنگی هخامنشی واقع در پاسارگاد با پلکان سنگی قلعه سنک

اطراف سطر اول نیز میسر نشده است. همچنین در مورد آخرین سطر کتیبه چون محل کافی در زیر سطر پنجم وجود نداشته به ناچار آنرا بصورت عمودی در سمت راست پنج سطر افقی کنده‌اند و در انجام این امر دقت کافی نیز صورت نگرفته است. زیرا میتوانستند این سطر عمودی را از پائین‌تر شروع کنند تا تمامی کلمات آن جا بگیرد. زیرا در زیر آن جای کافی وجود دارد.

ب - اندازه آخرین پله، پلکان سنگی چنان محدود و ناچیز است که يك خطیب و واعظ جز برای مدتی کوتاه و آنهم به ناراحتی نمیتواند در آنجا قرار گیرد. در صورتیکه اگر این اثر از آغاز برای منبر ساخته میشد فضای مناسبی بر فراز آن در نظر می‌گرفتند.

پ - آنچه در بالا گفته شد باین منظور بود تا نشان داده شود که پلکان مزبور هم‌زمان بانوشن کتیبه روی آن ساخته نشده بلکه اثر مزبور موجود بوده و سپس در قرن هشتم هجری کتیبه حاضر را بر روی آن کنده‌اند. برای آنکه بدانیم این اثر در اصل به چه منظور ساخته شده بوده است، ضرورت دارد تا آنرا با اثری که شباهت بسیار با آن دارد و هم اکنون موجود و چگونگی استفاده و همچنین زمان ساختمان آن شناخته شده است، مقایسه کنیم. این اثر عبارتست از آتشدان موجود در پاسارگاد (تصویر شماره ۷). این اثر در فاصله يك کیلومتر و نیمی کاخ اختصاصی کوروش، در سمت شمال غربی دشت مرغاب و در کنار تپه‌ای کوتاه قرار دارد. چنانکه در تصویر شماره ۷ مشاهده میشود، دو قطعه سنگ حجاری مکعب شکل که در برابر یکی از آنها پلکانی سنگی قرار دارد، در فاصله ۹ متر از یکدیگر قرار دارد. در باره محل مزبور و این دو اثر اعتقاد بر اینست که آنها آتشدانهایی وابسته به يك ستایشگاه بزرگ در فضای آزاد است. (با انجام کاوش در تپه مجاور میتوان امیدوار بود تا وضع این مجموعه بخوبی روشن شود).

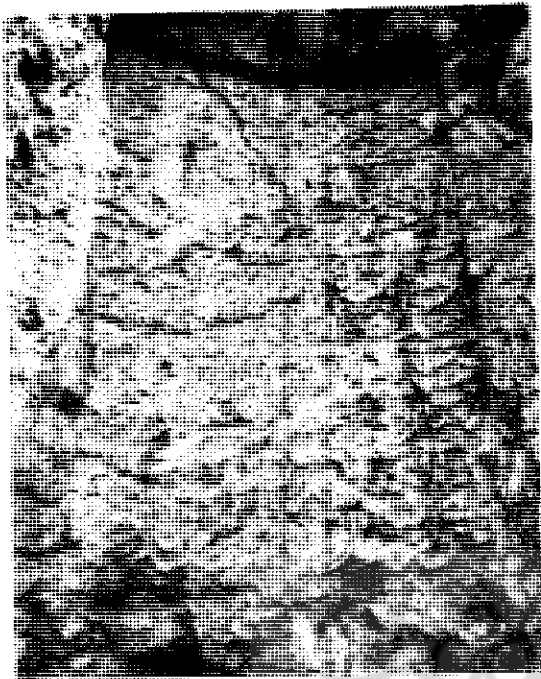
در اینجا جا دارد تا پلکان موجود در قلعه سنگ را با قسمت پلکان سنگی

آتشدان سمت راست معبد پاسارگاد مقایسه کنیم. این هر دو اثر چنانکه مشاهده میشود از قطعه سنگهای یک پارچه ساخته شده است. اندازه و ابعاد هر دو باجزئی اختلاف یکسان است. هر کدام از دو اثر هشت پله دارد. همچنانکه آتشدان سمت چپ آتشدانهای دو گانه پاسارگاد فاقد پلکان است و بطور قطع در طول زمان از بین رفته (وجود دولبه بسالا و پائین کسه بمنظور قفل و بست شدن با پلکان ایجاد شده موید این امر است)، میتوان گفت که قسمت مکعبی شکل پشت پلکان واقع در قلعه سنگ سیرجان نیز از بین رفته است. وجود یک قطعه سنگ مکعب از جنس پلکان، که در چند متری اثر مورد بحث قرار دارد (عکس شماره ۵)، چنین مینماید که باید قطعه روی مکعب آتشدان باشد.

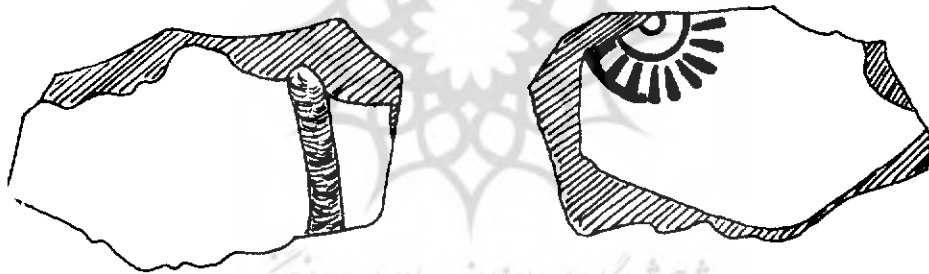
با توجه با آنچه که در باره پیشینه سیرجان و محل باستانی قلعه سنگ در صفحه‌های پیشین بیان داشتیم و همچنین با توجه به موقعیت محلی قلعه و اینکه بلندترین صخره سنگی واقع در میان دشت است، میتوان چنین نتیجه گرفت که این صخره سنگی از دیر باز بعنوان ستایشگاه مورد توجه مردم منطقه بوده و برفراز و پیرامون آن مراسم خاص مذهبی انجام میگرفته است و پلکان مزبور در اصل قسمتی از یک آتشدان سنگی وابسته به ستایشگاه در فضای باز بوده است که در عهد اسلامی بعنوان منبر مورد استفاده قرار گرفته است.

کتیبه محو شده :

در قسمت بالای بناهای قلعه و در دیوار سنگی صخره اثر یک کتیبه بطول حدود یک متر دریده میشود. از کتیبه مزبور تنها چند کلمه خوانده میشود و بقیه نوشته‌های آن بطور کامل محو شده است. به اعتبار گفته یکی از معتمدان و محققان محلی کتیبه مزبور، مربوط است به بنای یک حمام در قلعه (تصویر شماره ۹).



تصویر شماره ۹-  
تصویری از کتیبه قلعه سنک  
(عکس از نگارنده)



۱  
۲



۳

تصویر شماره ۱۰- سفال لعابداز منقوش با احتمال از دوره ساسانی

- ۱- قسمت منقوش ولعابداز سفال (لعاب برنگ فیروزه‌ای) نقش به شیوه مهری است وبالعاب پر شده است
- ۲- قسمت بدون لعاب برنگ نخودی مایل به گرم- اثر یک شیار کنده شده در آن دیده میشود
- ۳- مقطع و نمایش فنر سفال

اندازه



## بررسی آثار سفالی قلعه سنگ

در جریان دو بار بازدید که از محوطه قلعه سنگ بعمل آمد، تا آنجا که امکان داشت مجموعه‌ای از سفالهای شکسته و پراکنده در نقاط مختلف قلعه جمع آوری گردید تا بکمک آنها بتوان نسبت به تعیین دورانه‌های سکونت در این محل اقدام کرد و در صورت امکان وابستگی و ارتباط تمدنهای مستقر در این قلعه را با تمدنهای شناخته شده در دیگر نقاط روشن ساخت.

سفالهای جمع آوری شده در قلعه سنگ را از نظر جنس به دو دسته عمده زیر میتوان تقسیم کرد:

الف - سفالهای لعابدار

ب - سفالهای بدون لعاب

از نظر زمان ساخت این سفالها باید گفت، با اینکه در بین سفالهای لعابدار، یکی دو قطعه دیده میشود که به سفالهای عهد ساسانی شباهت نزدیک دارد (تصویر شماره ۱۰)، با اینحال تا پیدا شدن قطعات بیشتر و مشخص تری از آنها، بهتر خواهد بود تعلق آنها را به عهد ساسانی با قید احتیاط تلقی کرد، و مناسبتر بنظر میرسد تمامی سفالهای لعابدار و بدون لعابی را که در اختیار ما قرار دارد بدوران بعد از ساسانی و حدود قرن سوم هجری بعد متعلق بدانیم.

جالبترین مجموعه سفالهای این محل را، سفالهای بدون لعاب آن تشکیل میدهد که به دو گروه تقسیم میشود:

۱- سفالهای نقش مهری یا استامپی برجسته

۲- سفالهای کنده کاری شده

**الف - سفالهای نقش مهری یا استامپی برجسته:** متنوع ترین نمونه سفالهای قلعه سنگ از نظر نقش و نگاره (متیف) را همین دسته از سفالها



تصویر شماره ۱۱ - سفال نخودی رنگ با نقوش برجسته

۱- نقوش روی سفال - قسمت داخلی بدون

نقش - ۲ - مقطع و نمایش قطر سفال

طرح از : قهرمانلو

اندازه  $\frac{1}{4}$



۲



تصویر شماره ۱۲ -

قطعه سفال با نقوش برجسته هندسی -

داخل بدون نقش - چپ نمایش قطر

و مقطع - اشل  $\frac{1}{4}$

طرح از : قهرمانلو



تصویر شماره ۱۳ - سفال با نقوش برجسته

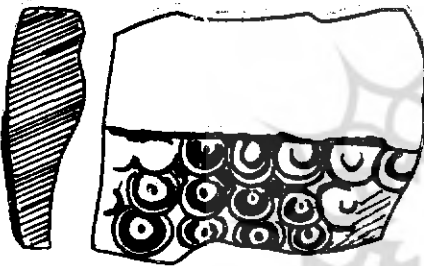
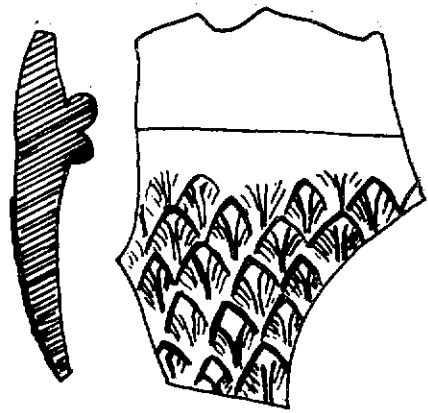
دوایر محدود به خطوط موازی برجسته - چپ

مقطع - اندازه  $\frac{1}{4}$  طرح از : قهرمانلو



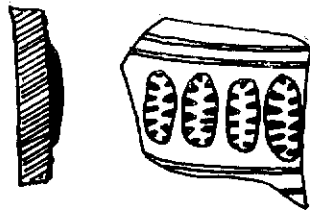
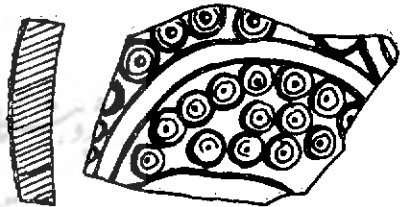
تصویر شماره ۱۴ - قطعه سفال با نقوش برجسته گیاهی (سرو) - داخل بدون نقش - چپ نمایش مقطع با وضع خاص اندازه

طرح از : قهرمانلو



تصویر شماره ۱۵ - قطعه سفال با نقوش برجسته بشکل حرف «ن» - داخل بدون نقش - چپ مقطع و قطر - اندازه طرح از : قهرمانلو

تصویر شماره ۱۶ - قطعه سفال با نقوش برجسته بشکل دایره - چپ مقطع - داخل بدون نقش - اندازه طرح از : قهرمانلو



تصویر شماره ۱۷ - سفال با نقوش برجسته در داخل خطوط موازی - داخل بدون نقش - چپ نمایش قطر - اندازه

طرح از : قهرمانلو

تشکیل میدهد. چنانکه ما موفق به جمع آوری چهارده نوع نگاره مختلف در این گروه از سفال گشتیم. نقشهای مزبور عبارتست از:

۱- دوایر بزرگ هماس بهم با تزئین گل هشت پر در وسط و زنجیره ای از دوایر کوچک در اطراف آن (تصویر شماره ۱۱)

۲- نقش هندسی شبیه به مثلث های داخل هم که در حد فاصل آنها دوایر توپر کوچک قرار دارد (تصویر شماره ۱۲)

۳- حاشیه های موازی که وسط آنها طرح دوایر تو پر و تو خالی نقش شده است. (تصویر شماره ۱۳)

۴- نقش جالب گیاهی شبیه درخت سرو (تصویر شماره ۱۴)

۵- حاشیه های موازی که وسط آنها طرح دوایر توپر و بیضی نقش شده

**کتابخانه مدرسه لجنه**

است. ۶- نقش زنجیره بشکل حرف (ن) (تصویر شماره ۱۵)

۷- نقش دایره های بزرگ که سطح آنها را دوایر کوچک داخل هم پوشانده است (تصویر شماره ۱۶)

۸- نقش برگ و گل های کوچک

۹- نقش شبیه برگ درخت با برگ های کوچک سوزنی شکل (تصویر شماره ۱۷)

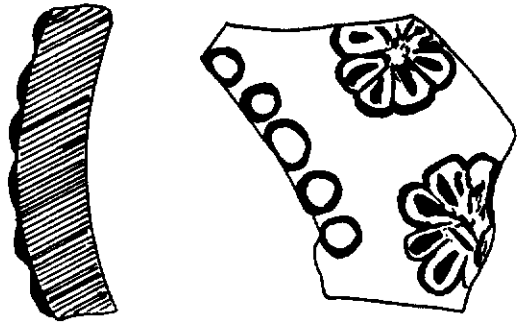
۱۰- نقش شبیه گل هشت پر بقطر ۱۲ میلی متر (تصویر شماره ۱۸)

۱۱- نقش گیاهی بشکل شاخه برگ دار با برگ های سوزنی شکل (تصویر شماره ۱۹)


۱۲- نقش جالبی بصورت پیچک های مو و اسلیمی که در داخل دوایر گل هشت پر نقش شده است (تصویر شماره ۲۰)



۱



تصویر شماره ۱۸- قطعه سفال با نقوش برجسته بشکل گل و دایره - داخل بدون نقش- چپ نمایش قطر و مقطع-

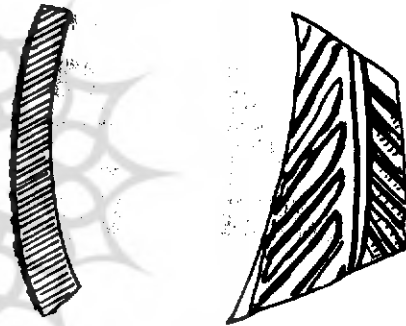
اندازه :  طرح از : قهرمانلو



۲

تصویر شماره ۳۱- سفال نخودی رنگ با نقوش برجسته

۱- نقوش روی سفال- قسمت داخلی بدون نقش ۲- مقطع و نمایش قطر سفال  
طرح از : قهرمانلو



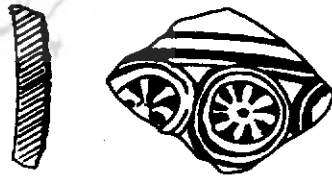
تصویر شماره ۱۹- قطعه سفال با نقش برجسته داخل بدون نقش- چپ مقطع و قطر- اندازه  
طرح از : قهرمانلو



۲

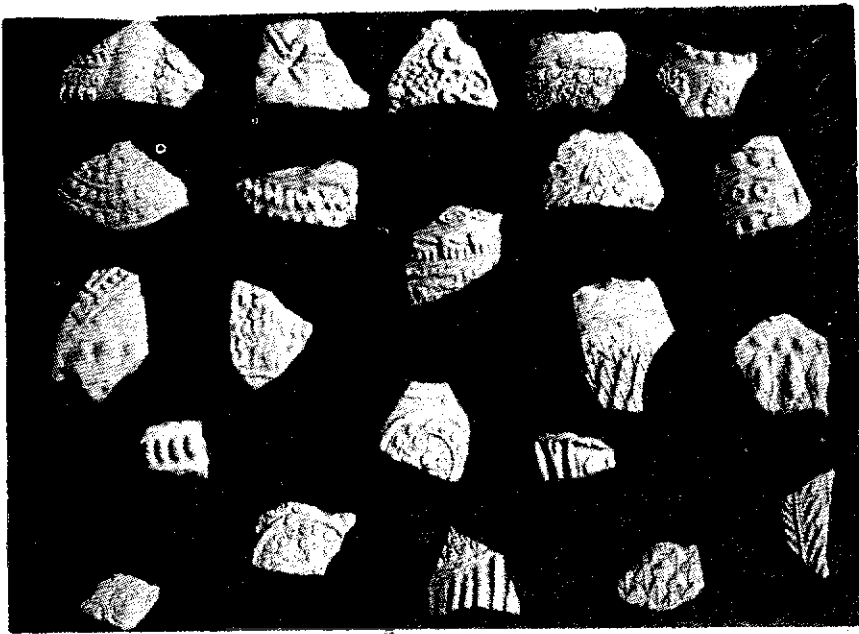
تصویر شماره ۳۳- سفال نخودی رنگ با نقوش برجسته

۱- نقوش روی سفال - قسمت داخلی بدون نقش ۲- مقطع و نمایش قطر سفال  
طرح از : قهرمانلو

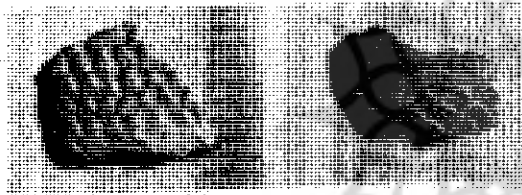


تصویر شماره ۴۰- تکه سفال با نقوش برجسته- قسمت داخلی بدون نقش - سمت چپ نمایش مقطع - اندازه

طرح از : قهرمانلو



تصویر شماره ۲۳- تصویری از بیست و دو قطعه سفالهای نقش مهری یا استامپی جمع آوری شده از قلعه سنک میرجان (عکس از نگارنده)



تصویر شماره ۲۴ - تصویر دو قطعه سفال نخودی رنگ با نقش مهری ، مکتشف در حفاری های یشاپور - سمت راست نقش شبیه تصویر شماره ۱۵

- سمت چپ نقش شبیه درخت سرو، تصویر شماره ۱۴ (عکس از نگارنده)



تصویر شماره ۲۵- سفال چرخساز با نقوش کنده بشکل خطوط موازی. راست قسمت خارجی و چپ قسمت داخلی سفال به پائین نمایش مقطع و قطر - اندازه ۱/۳ قهرمانلو

۱۳- نقش بسیار جالبی مرکب از طرح‌هایی شبیه به علامت بی نهایت و زنجیردای از بزهای کوهی (تصویر شماره ۲۱)

۱۴- نقش جالبی بصورت پیچک مو و دواپر که چک پیراکنده (تصویر شماره ۱۲).

این دسته از سفالهای قلعه سنگ با آنچه که در استخر و سال گذشته از حفاری بیشاپور بدست آمده است شباهت بسیار دارد. که از جمله میتوان سه نمونه سفالهای مکشوف در بیشاپور را ذکر کرد.

۱- سفال بانقش برجسته گیاهی درخت سرو. (تصویر شماره ۲۴)

۲- سفال بانقش فلسی و طرح حرف «ن» (تصویر شماره ۲۴)

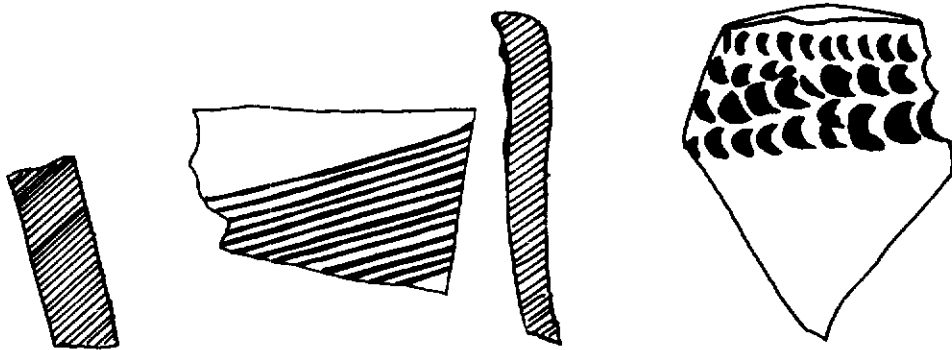
سفالهای مزبور شباهت کامل با نمونه‌های نظیر آنها در آثار سفالی قلعه سنگ دارد. در مورد تاریخ و زمان ساخت سفالهای بیشاپور، آقای سرفراز رئیس محترم هیأت حفاری این محل معتقدند که سفالهای مزبور در طبقه‌ای بدست آمده است که نمیتوان آنرا از قرن دوم و حداکثر از قرن سوم هجری جدیدتر دانست. با توجه باینکه سفالهای بیشاپور در جریان یک حفاری علمی بدست آمده، بخوبی میتوان بر روی آنها تکیه کرد و سفالهای قلعه سنگ را نیز با استناد آن تاریخ گذاری کرد. از اینرو مجموعه سفالهای نقش مهری یا استامپی قلعه سنگ را میتوان به حدود اواخر قرن دوم تا اواسط قرن چهارم هجری مربوط دانست.

**ب - سفالهای کنده کاری شده :** در گروه سفالهای کنده کاری شده بدون لعاب نقشهای زیر جمع آوری گردید:

۱- طرح هندسی شبیه عدد هفت یا هشت

۲- طرح شانه‌ای

۳- طرح خطوط موج منحنی و خطوط موازی (تصویر شماره ۲۵)



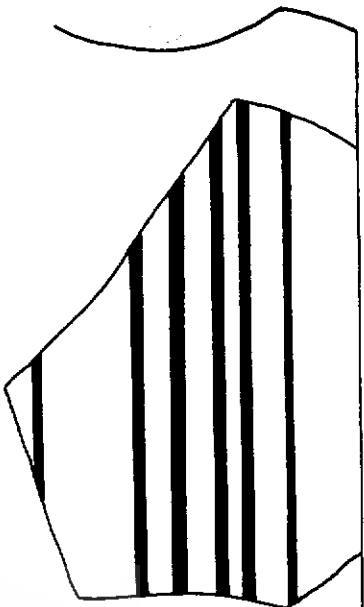
تصویر شماره ۴۷-  
سفال با نقوش کنده - داخل بی نقش -  
چپ قطر و مقطع - اندازه -  
طرح از : قهرمانلو

تصویر شماره ۴۶- قطعه سفال با نقوش کنده-  
(با آلت نوک تیز) - داخل بی نقش - چپ مقطع  
اندازه -  
طرح از : قهرمانلو



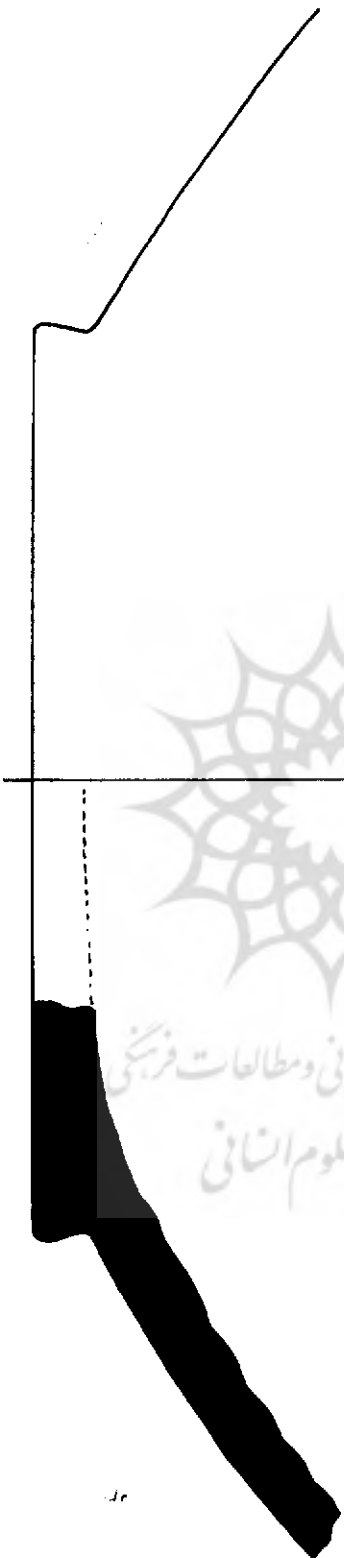
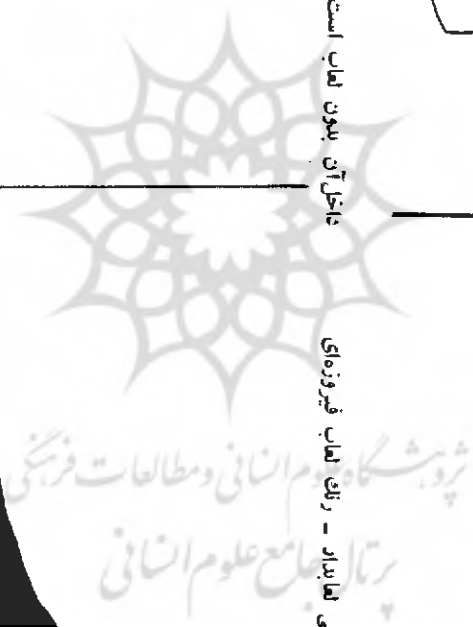
تصویر شماره ۴۸- تصویری از هفت قطعه سفال کنده کاری شده، جمع آوری از قلعه سنک سیرجان  
(عکس از نگارنده)





داخل آن بدون لعاب است- خطوط موازی گود روی به طرف از لعاب پوشانده شده است

قسمتی از به یک طرف سفالی لعابدار - رنگ لعاب فیروزه‌ای



قسمتی از یک طرف سفالی لعابدار- داخل و خارج طرف لعاب‌دار دو رنگ لعاب سبز است .

تصویر شماره ۳۹- طرح دو طرف لعابدار از آثار سفالی قلعه سنک سیرجان

طرح از : قهرمانلو

۴- طرح جالب کننده کاری بندی (تصویر شماره ۲۶)

۵- طرح شانه‌ای یا موجدار (تصویر شماره ۲۷)

نظیر طرح سفال کننده کاری بندی قلعه سنگ، در پیشاپور نیز بدست آمده است. از نظر زمان ساخت این گروه سفالها را باید مربوط به حدود قرن پنجم هجری دانست.

**سفالهای لعابدار:** در بین سفالهای لعابدار مکشوف در قلعه سنگ بدو دسته عمده سفال برخورد میکنیم که عبارتست از:

۱- سفالهای لعابدار چند رنگ

۲- سفالهای لعابدار یک رنگ فیروزه‌ای

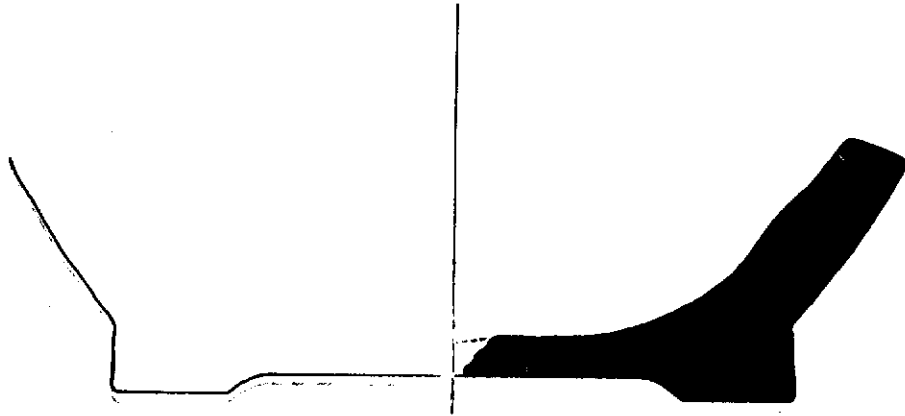
سفالهای دسته اول بیشتر به قرنهای پنجم و ششم هجری تعلق دارد. در بین آنها قطعه کوچکی وجود دارد که در دو روی آن لعاب سفید رنگ داده شده و نقش آن با رنگ سیاه اجراء شده است. این قطعه سفال را با احتمال میتوان به قرن سوم هجری مربوط دانست.

سفالهای فیروزه‌ای یک رنگ را باید به قرن پنجم هجری مربوط دانست. بر رویهم میتوان گفت که قرن سوم تا ششم هجری دوران شکوفائی تمدن مستقر در قلعه سنگ بوده است. تنوع سفالهای موجود در قلعه سنگ و محل سیرجان قدیم چنانست که با جمع آوری مجموعه‌های لازم و بررسی آنها امکان آن وجود دارد که یکمک آنها بتوان وضع تمدنهای مستقر در منطقه و دورانهای مختلف آنرا بخوبی روشن ساخت و آثار سفالی نواحی همجوار را با آنها مقایسه کرد.

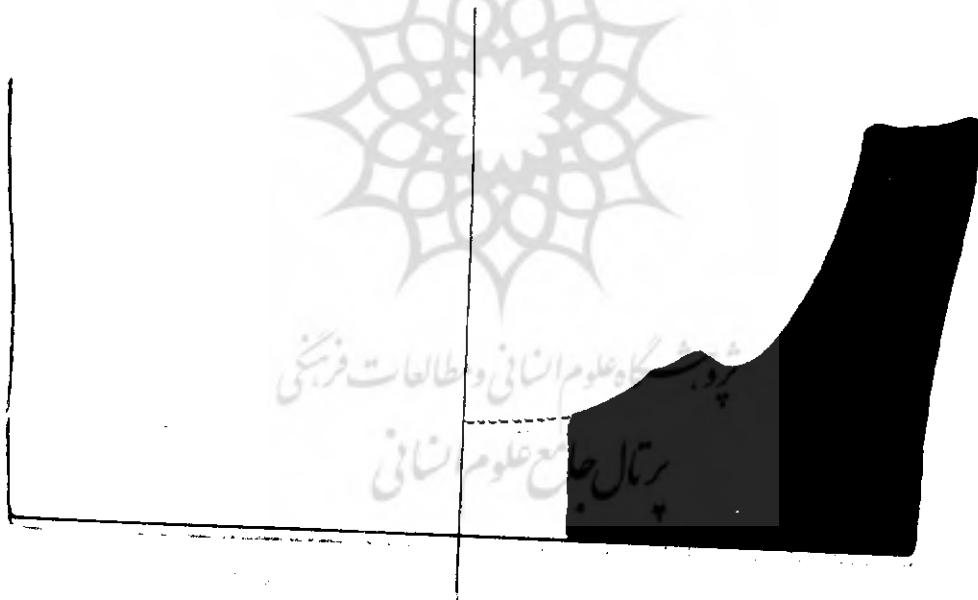
#### دیگر آثار تاریخی سیرجان

در منطقه سیرجان گذشته از قلعه سنگ تعداد دیگری بنای تاریخی قرار دارد و آنچه که تا کنون شناخته شده عبارتست از:

۱ - بنای شاه فیروز در سه کیلومتری قلعه سنگ.



قسمتی از ته يك طرف سفالی لعابدار- رنگ لعاب سبزاست .



قسمتی از ته يك طرف سفالی لعابدار- رنگ لعاب فیروزه‌ای رنگ- داخل لعابدار و خارج بدون لعاب است

تصویر شماره ۳۰- طرح دو طرف سفالی لعابدار دیگر از آثار سفالی قلعه سنک سیرجان  
 طرح از : قهرمانلو

۲ - میرزبیر ومیر طلحه در ده شریف آباد در ناحیه قهستان سیرجان.  
 بنای میر زبیر بقعه گنبدداری است که از قلوه سنگ وملاط گچ ساخته  
 شده و دارای طرح مربع است و هر ضلع آن ۹ متر طول دارد.  
 داخل بنا دارای کتیبه گچبری است و در انتهای کتیبه بالای محراب  
 تاریخ ربیع الاول سال ۷۵۱ خوانده میشود. بقعه را مربوط به حکمران محل  
 میدانند.

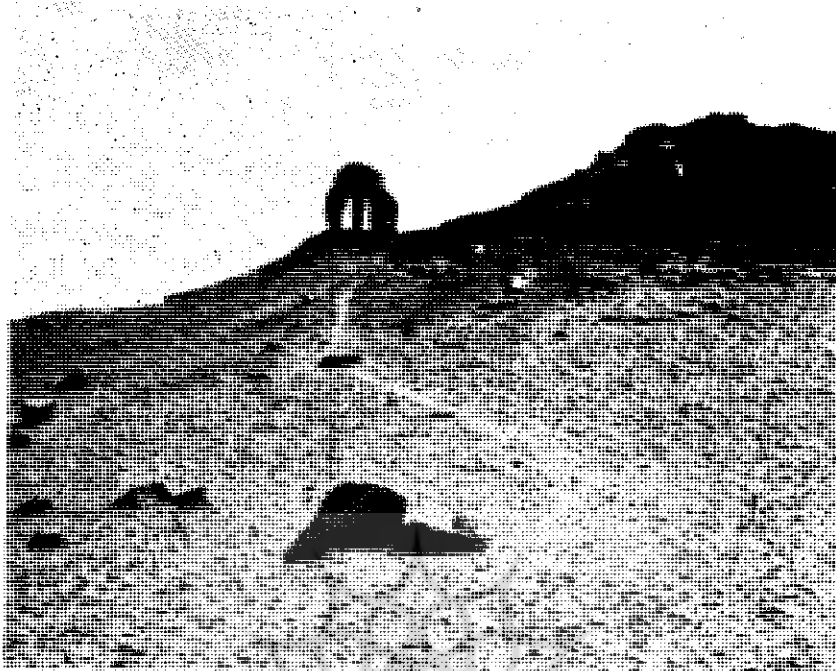
### ۳ - امامزاده احمد و سرو کهنسال باغمبید :

در باغمبید سیرجان امامزاده ای وجود دارد که بنام امامزاده احمد  
 معروف است. در کنار امامزاده سرو کهنسال عظیمی دیده میشود که دورتنه  
 آن در حدود ۵/۶ متر است و عمر آنرا بیش از هزار سال میدانند و رو بهمرفته  
 یکی از جالبترین و کهنسالترین سروهای موجود ایران است.

### بنای شاه فیروز

از بین سه اثر مورد بحث بنسای شاه فیروز از نزدیک مورد بررسی  
 نگارنده قرار گرفت که در زیر خصوصیات آن همراه با چند تصویر عرضه  
 میگردد.

در جانب شرقی قلعه سنگ و در سه کیلومتری آن و در نزدیکی دهی بنام  
 فیروز آباد (مشهور به شاه آباد)، صخره سیاه رنگی قرار دارد که بخوبی از  
 دور دست مشخص می باشد. بر فراز این صخره سنگی، بنای نیمه ویرانه ای  
 واقع است که در محل آن را مقبره «شاه فیروز» مینامند. این بنا که در بلندترین  
 نقطه صخره ساخته شده عبارتست از یک بنای هشت ضلعی که طول هر یک  
 از اضلاع داخلی آن ۲ متر تمام است.



تصویر شماره ۳۱ - در این تصویر بنای شاه فیروز که بر فراز صخره سنگی ساخته شده است مشاهده میگردد . (عکس از نگارنده)



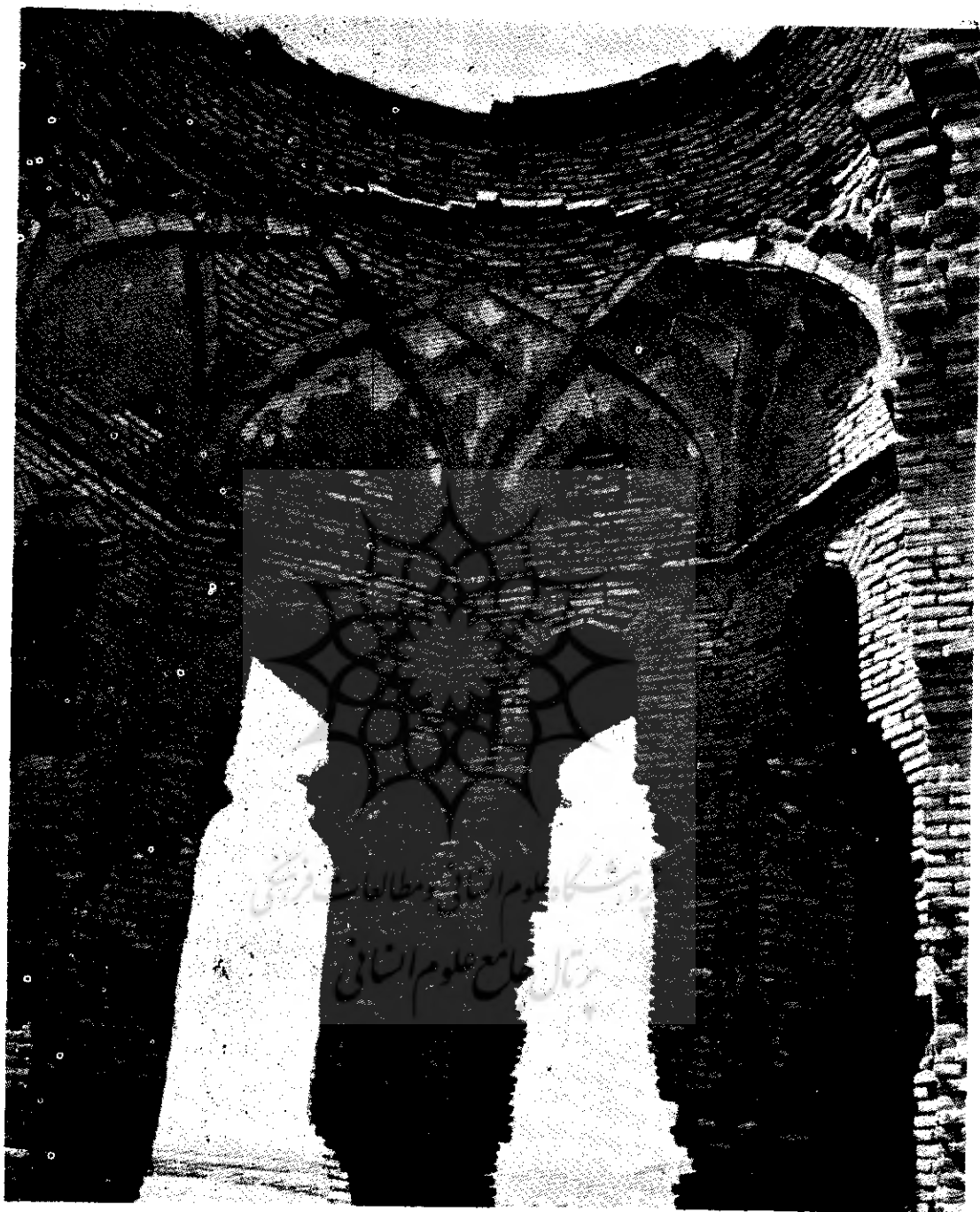
تصویر شماره ۳۲ -  
بنای زیبای آجری شاه فیروز.  
در این تصویر طاقتهای گرداگرد  
بنا و گنبد خوش ترکیب  
آن دیده میشود .  
(عکس از نگارنده)

میان اضلاع هشتگانه تمامی باز است و طاقنمایی با قوس تیزه دار در پائین و طاقنمای کم عرض و کم ارتفاع دیگری در بالای آن قرار دارد. عرض دهانه طاقنماهای پائین ۱/۳۸ متر است. کار بندی زیر گنبد بگونه ای ساده مرکب از هشت سینه باز و در فاصله آنها با باریکههایی که در بالا شاهیزک دارد، ساخته شده است. گنبد بنا دوپوش است و شکل پوشش خارجی از جمله پوششهای خوش تناسب شبیه به گنبدهای خاکی یزد است. روی جرزهای داخلی گاه گل کشیده شده و سپس روی آنرا به گچ اندود کرده اند.

در نمای خارجی بنا هیچ تزئینی وجود ندارد و تنها دور طاقنماها بصورت زنجیره یک رج آجر برجسته از بتن کار شده است تا شکل طاقنماها را نمایان سازد.

جنس یکپارچه مصالح بنا که تمامی آنرا از آجر ساخته اند و همچنین باز بودن طاقنماهای هشتگانه سبب شده است تا بنا حالت صلابت و استحکام بیشتری پیدا کند و گیرائی آن افزون گردد. زیرا که جلوه گنبد زیبا و خوش تناسب آن بر فراز پایهها، وقتی خیز آن در متن افق لاچوردی ولکه ابرها دیده می شود، چشم گیرتر از حالتی است که این طاقنماها بسته میبود. در وسط این بنا که بیشتر حالت یک دیدگاه و یایک بنای یادبود را دارد، در داخل صخره، مستطیلی بطول ۴ متر و به عمق ۵۰ سانتیمتر کنده شده است. وجود این حفره قبرمانند کم عمق، در وسط بنای هشت ضلعی، این بحث را پیش می آورد که آیا در گذشته دور اینجا چون حفره های واقع بر فراز صخره قلعه دختر بیشاپور محلی برای قرار دادن جسد جهت خوردن گوشت آن توسط پرندگان نبوده است؟

از سوی دیگر چنانکه کندن قبر را در صخره کوه مربوط بدوران بعد از اسلام بدانیم باید یادآور شویم که بین این آرامگاه و آنچه در بنای آرامگاههای قلعه گبری و نقاره خانه شهری و برجهای شمیران دیده میشود، شباهت



تصویر شماره ۴۴- در این تصویر قسمت داخل بقعه ونجوه کاربردنی زیرگنبد آن دیده میشود،

وجود دارد. بناهای یادشده مزبور نیز بر فراز صخره ساخته شده و گورها نیز در صخره کنده شده است. انجام چنین امری را با اندیشه خاص مذهبی قبیله از اسلام ایران دائر بر آلوده نساختن خاك بی ارتباط نمیتوان دانست و معرف دوام و پایداری اعتقاد مزبور تا قرنهای بعد از استقرار مذهب اسلام در این سرزمین کهنسال است.

در مورد زمان بنای شاه فیروز با توجه به شیوه آجرکاری و بخصوص شکل پوشش گنبدی آن میتوان گفت اثری است مربوط به حدود قرن نهم هجری.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی